



نشریه دانشجویی دانشگاه تهران
ماهنامه علمی - حقوقی بسیج دانشکده حقوق و علوم سیاسی
مدیرمسئول: سیمین ربیعی
سردبیر: محدثه اکبریان
صفحه آرا: نفیسه نوری
شماره دوم
آبان ماه ۱۳۹۹

@Basij-lp

@Basij-lp

@iran1404.ir

صفحه بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را در شبکه های مجازی دنبال نمایید.

تأحق تفسیر آیات حقوقی قرآن

در آیه شریفه ۳۴ سوره نساء که می فرماید:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِن أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان

بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید؛ و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید؛ و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست)

قوام صیغه مبالغه در قائم است گفته می شود: هو قوام علی اهله، یعنی همیشه از خانواده خود محافظت می کند و بر مصالح و خیر زن و فرزند، هشیار و بیدار است.

آیه **كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ** ۱۳۵/ نسا نیز اشاره دارد به کسانی که بر اقامه عدل در جمیع امور مواظبت می کنند و با تمام نیرو تلاش می کنند.

قوامیت مرد بر زن یعنی وظایف مرد نسبت به زن؛ از جمله نفقه زن که بر عهده مرد است و باید بپردازد. پس قوامیت مرد امتیاز نیست بلکه وظیفه ایست که بعهدہ وی گذاشته شده است.

در ادامه آیه نیز زن به خاطر خدا در غیبت همسر یا کدامنی پیشه میکند؛ نه ترس از همسر.

سپس در ادامه با بیان مراتب ۱- وعظ ۲- دوری گزیدن ۳ ضرب به مرد اختیاراتی داده شده است که حق فرارفتن از آن ها را ندارد.

ضمن اینکه طبق روایتی، ضرب با چوب مسواک آمده است یا محدود به ضربا رفیقا یا ضربا غیر مبرح آمده است پس مقصود، زدن زن در معنای عرفی نیست؛ بلکه اعلام ناراحتی مرد در مرحله بعد از دوری گزیدن از زن در بستر است. مسلم است که سوء استفاده از این قانون ممکن است صورت بگیرد، که آن امر دیگری است. و امروزه ممکن است از هر قانون و قاعده اجتماعی سوء استفاده های فراوانی بشود.

تمکین و نفقه دو تعهد متقابل هستند و در صورت عدم تمکین زن یا نشوز او مرد نفقه او را نمی پردازد. این حکم قانونی که به مرد اجازه می دهد در صورت چند روز بدخلقی دیدن از سمت زن حق دارد نفقه او را نپردازد، داروی تلخی است که فقط به ضرورت باید از آن

استفاده کرد و شایسته تر همان بازخوردهای قرآن توسط مرد است. نشوز از طرف مرد بدین صورت است که:

«مرد در حق زن تعدی و ستم روا دارد و حقوق واجبش را ادا نکند. وقتی که نشوز مرد نمایان شد، بدین گونه که مرد حق هم خوابی و قسم را مراعات نکند و نفقه زن را نپردازد، زن حق مطالبه این امور را دارد؛ و مرد را موعظه می کند و اگر اثر نکرد، به حاکم شرع مراجعه می کند، تا او مرد را به ادای حقوق زن وادارد؛ پس باید توجه داشت مردانی که وظایف همسری خود را ترک می کنند نیز مشمول مجازات - حتی مجازات بدنی - هستند. البته چون این کار غالباً از عهده زنان خارج است، حاکم شرع موظف است مردان متخلف را از طرق گوناگون حتی از طریق تعزیر (مجازات بدنی) به وظایف خود آشنا کند.

در آیه ۱۲۸ سوره نساء، مرحله اول مواجهه نفی نشده است یعنی زن لازم است امر به معروف و نهی از منکر و موعظه و نصیحت کند و درد دل شوهر را بشنود و صورت وارد بودن اشکال قبول کند و در صورت وارد نبودن نصیحت و اندرز دهد و سعی در رفع نشوز مرد کند؛ که دستور عمومی **«تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»** (سوره عصر آیه ۳) و آیات امر به معروف و نهی از منکر و دستورهای مشابه، آن را توصیه می کند.

اما در مورد نشوز مرد، دستور به قهر در بستر معنایی ندارد و فایده بخش نیست. زیرا زمانی این قهر تنبیه کننده و فایده بخش است که مرد خواستار توجه زن باشد و در فرض نشوز مرد، او خواستار نیست و فراری است؛ بنابراین دعوت زن به قهر از بستر یعنی دعوت او به همراهی با شوهر که دوری او را می طلبد.

مرحله سوم هم که زدن یا قهر از خانه و قطع ارتباط باشد نیز مفید نیست. زیرا هم معمولاً زنان را توان بر زدن مردان نیست و هم قهر آنها از خانه، مطلوب مرد ناشزه است.

پس در اینجا تنها راهی که می تواند مورد توصیه باشد این است که زن را به مصالحه با شوهر فرا بخواند و با دادن و گرفتن امتیازهایی به هم و از هم، با هم توافق کنند تا زندگی زناشویی متلاشی نگردد.

وقتی مرد ناشزه شود و حاضر به مصالحه یا ادای حقوق زن و طلاق نباشد، نزاع پیش آمده و برای رفع نزاع باید به قاضی مراجعه شود. این حکم عقل است و تشکیل حکومت و نصب قاضی و... برای عمل به این دستور عقل می باشد و قرآن و روایات هم این رویه عقلانی را تایید کرده اند.

تفسیر قرآن حکیم - آیت الله مکارم شیرازی

سید محمد هاشم پورمولا - حسن جلالی - بررسی فقهی تنبیه بدنی زوجه، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهل و هشتم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

زینب ثمنی - زهرا اجلال
فاطمه قربانی

آبان ۹۸؛ بدون قانون بدون امضا

پس از انتشار خبر گران شدن بنزین به تصمیم سران قوا در تاریخ ۲۴ آبان ماه در کنار حیرت زدگی ملت و خیل عظیم سوال ها از این تصمیم، یک پرسش اساسی مطرح شد: «آیا نهادی به عنوان سران قوا حق وضع قانون را دارد؟»

در همین راستا بسیج دانشکده حقوق و علوم سیاسی بر آن شد تا با برگزاری یک نشست و دعوت از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر غلامحسین الهام، پاسخ حقوقی این پرسش را دریابد. آنچه میخوانید گزارشی از یک پاسخ هفتاد دقیقه ای است.

در تیرماه سال ۹۷ گزارشی منتشر شد مبنی بر تشکیل دو کارگروه اقتصادی و سیاست ورزی زیر نظر شورای عالی امنیت ملی. کارگروه اقتصادی زیر نظر معاون اول و کارگروه سیاست ورزی زیر نظر رئیس جمهور تشکیل شد و قرار بر این شد که جمع بندی جلسات کارگروه ها در جلسه سران قوا مطرح شود و در نهایت بر اساس فرمان مقام معظم رهبری تصمیماتی که برای برون رفت از وضعیت اقتصادی گرفته شده است به عنوان قانون ابلاغ شود. در اینجا باید به اصل ۱۷۶ قانون اساسی مراجعه کرد: «به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می گردد.

۱- تعیین سیاست های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری

۲- هماهنگ نمودن فعالیت های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی

۳- بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی

اعضای شورا عبارتند از:

- روسای قوای سه گانه

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

- مسئول امور برنامه و بودجه

- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

- وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات

- حسب مورد وزیر مربوط و عالی ترین مقام ارتش و سپاه

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد. ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می شود.

حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تایید مقام رهبری قابل اجراست.

با مطالعه این اصل به وضوح روشن است که معاون اول که یکی از اعضای شورای عالی نیست نمی تواند ریاست و اداره کارگروه را به عهده بگیرد. درثانی کدام قانون حدود اختیارات و وظایف این شوراهای فرعی را معین کرده است؟ استفاده از دو واژه گنگ «اقتصاد» و «سیاست ورزی» می تواند به طور کلی قوه مقننه را از کار و اعتبار بیندازد. نکته دیگری که وجود دارد آن است که وظایف شوراهای فرعی باید با شورای عالی تناسب داشته باشد. زمانی که قانون، وظایف شورای عالی را در شرایط خاص دفاعی و امنیتی تعریف می کند، گران کردن بنزین چه وجاهت قانونی ای با استناد به این اصل و این اختیار ویژه دارد؟ شاید بتوان برای مثال مانند آنچه در قضیه توافق هسته ای گذشت، از شورای عالی مشورت خواست اما بر اساس قانون تصمیم نهایی با مجلس شورای اسلامی است.

ما در قانون غیر از دو جا نامی از سران قوا نمی بینیم. یکی در اصل ۱۷۶ که آورده شد و [دیگر] در اصل ۱۷۷ که از ترکیب های پیشنهادی قانون اساسی برای بازنگری قانون است. در هیچ جای قانون به نهادی به عنوان سران قوا که حق وضع قانون و اجرای آن را داشته باشند اشاره نشده است و اصل در قانون عدم اختیار و ولایت است. به کسی می گویند خربزه را با عسل نخور چرا که با هم نمی سازند و رندی می گوید اتفاقا خیلی هم می سازند و تو را از پا در می آورند. ترکیب سران قوا ترکیب غیرقانونی برای تصمیم گیری است. آنچه از ناراحتی مردم شاهد بودیم نتیجه بی قانونی است. در حال حاضر کدام دستگاه پاسخگوی این تصمیم است؟ علت آن عدم وجود تکلیفی برای تصمیمات نهاد سران قوا است که وجاهت قانونی ندارد.

در پاسخ به این اشکالات جواب هایی وجود دارد که دلایل کافی برای اثبات آن ها وجود ندارد. از جمله آنکه این تصمیم حکم حکومتی رهبر معظم انقلاب بوده است. چنین مدعایی باید ثابت شود که توصیه رهبری به هم اندیشی سران قوا که در جلسه ای حاضر بوده اند مانند آنچه است که برای مثال شورای عالی مجازی را تاسیس کرده اند که بایک حکم مشخص است؟

پاسخ دیگر الزام مجلس به دولت در قانون هدمندی یارانه ها در سال ۸۸ است مبنی بر افزایش تدریجی قیمت بنزین یا آنچه در برنامه پنج ساله ششم آمده است. خوب می بینیم که آنچه قانون از دولت خواسته طی ده سال اجرا نشده و در عرض یک شب قیمت ها سه برابر افزایش پیدا کرده است. این چه توجیه عقلانی ای می تواند داشته باشد؟ بعلاوه چنین تصمیمی نیازمند متمم بودجه بوده است چرا که درآمد دولت را افزایش می دهد که خوب آن هم انجام نگرفت.

آنچه در پایان لازم است بیان شود این است که جبهه انقلاب هنوز هم به دنبال یک پاسخ صریح و دقیق درباره اشکالات وارده است؛ نه آنچه در این مدت شاهد آن بودیم. حضور گرم و انقلابی مردم در تجمع میدان انقلاب به هیچ عنوان به معنی عدم نارضایتی از بی قانونی ها نیست.



نگاهی به پرونده نوید افکاری

شرح ماجرا:

نوید افکاری، کشتی‌گیری شیرازی بود که محکومیت او به اعدام، چند روزی سوژه رسانه‌های داخلی و خارجی گشت. او در تاریخ ۱۱ مرداد ۹۷ مرتکب قتل کارمند حراست سازمان آبفای شیراز، مقابل درب منزل مقتول و به ضرب چاقو بر عروق حیاتی بدن وی می‌گردد. با بازبینی دوربین مداربسته ی واقع در خیابان محل تعقیب مقتول، نوید افکاری بعنوان متهم دستگیر و تحویل مقام قضایی داده می‌شود. براساس اطلاعات موجود در پرونده، متهم پس از دستگیری، در بدو تحقیقات اعلام می‌کند «مقتول را با برادرم تعقیب کردم و در حالی که من ترک موتورنشسته بودم با چاقو اقدام به قتل مقتول کردم» (میزان) از آن جایی که قاضی، قتل را از نوع عمدی تشخیص داد و قاتل نیز در اعترافات خود به آن اذعان کرد، حکم قصاص به درخواست اولیای دم، به اجرا گذاشته شد. افکاری از جمله کسانی بود که در اعتراضات مرداد ماه ۹۷ در شیراز شرکت کرده بود و همین، موجب تقویت گمانه‌زنی‌ها بر پایه ی ارتکاب جرم امنیتی او قرار گرفت. به بیان دیگر، در کنار کسانی که ارتکاب قتل را ناشی از خرده حساب‌های شخصی قاتل و مقتول می‌دانستند، برخی دیگر حکم اعدام را امنیتی قلمداد کردند. به همین دلیل برخی رسانه‌ها از مقتول، حسن ترکمان، بعنوان نیروی امنیتی و از افکاری، بعنوان بازداشت‌شده اعتراضات ۹۷ یاد کردند و اتهام قتل را اتهامی ساختگی از طرف حکومت بیان کردند.

همچنین مدعی شدند که وی تحت شکنجه مجبور به اعتراف شده است و بنابراین اعترافات او حجیت ندارد.

حال آنکه، بعد از اقرار نوید افکاری، وکیل تعیینی وی

مراجعه و اظهار داشته خانواده متهم مدعی شکنجه

وی هستند. در همان روز در زمان تحقیقات بنابر

تقاضای وکیل متهم، دستور اعزام وی به پزشکی

قانونی صادر شد تا چنانچه اقرار تحت شکنجه

بوده مراتب مجدداً مورد بررسی قرار گیرد؛

اما متهم در حضور وکیل تعیینی خود اعلام

کرده که شکنجه نشده‌ام و به پزشکی قانونی

نمی‌روم. با این حال به دنبال دستور ریاست

کل دادگستری استان فارس مبنی بر انجام

معاینه از نوید افکاری، چهارشنبه شب مورخ

۱۹ شهریور ساعت ۲۰:۲۲ از نوید افکاری توسط

تیم ویژه سه نفره اعزامی از پزشکی قانونی در حضور

رییس کل دادگستری استان فارس معاینه به عمل آمد

و براساس معاینات انجام شده از نواحی مختلف بدن وی،

هیچ گونه آثاری دال بر آزار جسمی (شکنجه) نظیر سوختگی،

جراحت و شکستگی استخوان و... مشاهده نشد. (میزان)

در ادامه این ماجرا، ترامپ، رییس جمهور آمریکا نیز در تویییتی حمایت خود را

از افکاری اعلام کرد و جرم او را شرکت در تظاهرات ضد دولتی خواند. ماجرای نوید افکاری

بعد از جریان #اعدام_نکنید که در حمایت از سه تن از معترضین آبان ۹۸ مطرح شد، شکل

گرفت و به دنبال خود هشتگ‌هایی مثل #نوید-را_نکشید و #SaveNavidAfkari را در

سطح شبکه‌های اجتماعی، خصوصاً توییتر، تولید کرد.

ورود به جزئیات پرونده از حوصله این نوشتار خارج است؛ ضمن اینکه به دلیل برگزاری

غیرعلنی دادگاه، دسترسی به مشروح جلسه وجود ندارد. اما نکاتی به نظر می‌رسد که به

طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

پرونده‌های مشابه:

۱. موضع‌گیری برخی افراد و رسانه‌ها در قبال موضوع اعترافات افکاری و عاقبت آن، یادآور

پرونده مازیار ابراهیمی می‌باشد. مازیار ابراهیمی با اتهام ترور شهدای هسته‌ای دستگیر

شد و سپس در ادامه ی بررسی پرونده، بیگناهی او ثابت و آزاد گردید. او پس از آزادی اعلام

کرد که اعترافات تلویزیونی در قبول ترور شهدای هسته‌ای به علت شکنجه‌های دوران

محکومیت بوده و او مجبور به اعتراف علیه خودش شده است. حال، برخی در واقع، نوید

افکاری را با مازیار ابراهیمی مقایسه کرده و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دو پرونده و ظرافت‌های مختص هر کدام، اعترافات افکاری را هم تحت فشار شکنجه و نتیجتاً بی اعتبار تلقی می‌کردند. در حالیکه به گزارش میزان، علی رغم امتناع افکاری از معاینات پزشکی قانونی برای اثبات یا رد شکنجه، به دنبال دستور ریاست کل دادگستری استان فارس بررسی‌های لازم توسط تیم پزشکی به عمل آمد و شواهدی مبنی بر اذیت و آزار جسمی یافت نشد.

۲. برخی دیگر ممکن است به مقایسه پرونده افکاری و محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران، بپردازند و تفاوت در احکام نهایی صادره در این دو پرونده را ناشی از سیاسی کاری و رعایت مصالح و عناوینی از این قبیل بدانند. همان طور که پیشتر گفته شد، به دلیل عدم دسترسی به جزئیات پرونده، بررسی موشکافانه و دقیق دو حادثه برای ما امکان‌پذیر نیست. لذا با توجه به آنچه تاکنون توسط مقامات قضایی و مطلعان بیان شده است، به تحلیل احکام پرونده افکاری و نجفی می‌پردازیم.

اول آنکه وقوع قتل توسط نامبردگان به دلایل متقنی محرز می‌باشد. مرحله بعد، تشخیص نوع قتل (عمد یا غیرعمد) است. در ماجرای افکاری، به اعتراف خود متهم و شواهد حاصل از بررسی‌های پلیس و تحقیقات مقدماتی، جنایت عمدی

بوده و برای اولیای دم حق قصاص وجود دارد. پرونده نجفی نیز

پس از بالا و پای ین رفتن‌های متعدد، با حکم به عمدی بودن

قتل مختومه شد. بنابراین در اینجا نیز اولیای دم، دارای

حق قصاص شناخته شدند. تفاوت در نتیجه این

دو پرونده در این نقطه آشکار می‌شود که اولیای

دم میترا استاد (مقتول پرونده نجفی) در قبال

دریافت مبلغی، از اعمال حق قصاص خود صرف

نظر کردند اما اولیای دم حسن ترکمان (مقتول

پرونده افکاری)، درخواست اجرای قصاص

نمودند و راضی به مصالحه نشدند. لازم به

ذکر است همان گونه که حق قصاص بعنوان

حقّی شخصی و مختص اولیای دم مقتول در

قانون به رسمیت شناخته شده است، حق

مصالحه نیز کاملاً قانونی می‌باشد. با این تفاوت

که در مصالحه رضایت محکوم شرط است؛ یعنی در

صورتی که محکوم پرداخت مبلغی را در قبال عدم

قصاص نپذیرد، قانوناً حق اجبار او به این کار از طرف

هیچ کس وجود ندارد.

در نهایت، نصیحتی به قوه قضاییه!

پرونده نوید افکاری نیز با طی مراحل قانونی خود به صدور حکم

نهایی و اجرای آن منجر گشت. اما در این بین ابهاماتی وجود داشت که گرچه

برای متصدیان امروز روشن شده بود، اما افکار عمومی را درگیر ماجرا نموده و نهایتاً موجب

تشتت آرا و اظهارات گوناگونی در فضای مجازی شد. تنقیح ابعاد مختلف پرونده و نقاط

تاریک و سوال برانگیز آن یکی از وظایف دستگاه رسانه‌ای قوه می‌باشد که متأسفانه به

اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود. همین مساله موجب میدان پیدا کردن رسانه‌های

خارجی و دامن زدن به موج بی اعتمادی به قوه قضاییه می‌گردد. چنان که در ماجرای

نوید افکاری مشاهده کردیم که پرایک‌ترین و پرکامنت‌ترین پست‌ها در این باره، متعلق

به حساب بی‌بی‌سی فارسی و منوتو در اینستاگرام و رتبه اول لایک و باز نشر در توییتر نیز

مربوط به حساب رضا پهلوی بود. نهایتاً با تکرار این سناریوی مشابه از سوی متولیان

داخلی و عوامل خارجی، اعتماد زدایی از سطح یک قوه فراتر رفته و دامنگیر کلیت حکومت

می‌شود. بنابراین لازم است قوه قضاییه اهتمام ویژه‌ای به بحث رسانه‌ای و پاسخگویی

شفاف و روشن به اذهان پرسشگر مردم بورزد.

زهرارهیپیک

اعتیاد، جرم یا بیماری؟

«متری شش ونیم» دومین اثر کارگردان جوان، سعید روستایی است. این فیلم که نخستین بار در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر بر روی پرده رفت، توانست نگاه ها را به خود جلب کند؛ در بسیاری از حوزه ها نامزد شود و جوایزی نیز کسب کند. این فیلم در گیشه هم موفق ظاهر شد و توانست لقب پرفروش ترین فیلم اجتماعی سینمای ایران را به دست آورد. فیلم سعید روستایی با ارائه تصویری خشن و عریان از وضعیت اعتیاد در جامعه، ابعاد اجتماعی آن را در قالب یک درام پلیسی نشان می دهد.

پلیسی به نام صمد با بازی پیمان معادی به همراه تیم خود، به دنبال دستگیری یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان مواد مخدر یعنی ناصر خاکزاد با بازی نوید محمدزاده است. به زعم بسیاری، نقطه قوت کارهای سعید روستایی فیلمنامه است. داستان متری شش و نیم که برخلاف «ابد و یک روز» پیچیدگی خاصی ندارد، در نیمه اول فیلم بسیار دقیق و حساب شده پیش می رود. شخصیت پردازی مناسب، سکانس های تاثیرگذار و البته بازی خوب بازیگران هر کدام به جذابیت فیلم کمک می کند.

برخی از منتقدان معتقدند سعید روستایی به خوبی از پس نشان دادن ابعاد اجتماعی اعتیاد و قاچاق مواد مخدر برآمده است و داستان فیلمش هیجان و کشش لازم را دارد؛ اما در نمایش سیستم قضایی ایران تا حدودی ناموفق عمل کرده است. وجود اشکالاتی در شیوه دادرسی که در فیلم مشاهده می شود و همچنین بی توجهی به قانون در چند سکانس باعث ایجاد نقدهایی از سمت حقوقدانان به فیلم شده است.

از دیدگاه جامعه شناسی، عملی که در تقابل با ارزش های مشترک جامعه باشد و نظم جامعه را خدشه دار کند، جرم است. با توجه به این دیدگاه اعتیاد جرم محسوب می شود. از لحاظ حقوقی نیز ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر به صراحت اعتیاد را جرم می داند و همانطور که برای قاچاق و خرید و فروش مواد مخدر ضمانت اجرا قائل است، برای استعمال آن نیز مجازات معین نموده است. این مجازات ها بیشتر در قالب حبس های کوتاه مدت، مجازات های مالی و در مواردی انفصال از شغل دولتی است. در فیلم سکانسی را از دستگیری معتادهایی که در یک خرابه در حاشیه تهران زندگی می کنند، می بینیم. پلیس آنها را بازداشت می کند تا به جرمشان رسیدگی کند.

قانون گذار برای قاچاق مواد مخدر ضمانت اجرای سنگین تری نیز در نظر گرفته است که بخشی از آن در فیلم نیز قابل مشاهده است. مثل حبس های طولانی مدت، مصادره اموال و اعدام. البته با الحاق ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در

سال ۱۳۹۶، مجازات ها به مراتب تخفیف داده شده است و در بسیاری از موارد اعدام به مجازات های دیگری تبدیل شده است. با این وجود در حال حاضر نزدیک به ۸۰ درصد اعدام ها در ایران مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر است و با توجه به رشد روزافزون قاچاق مواد مخدر، به نظر می رسد که اعدام نتوانسته است تاثیر لازم را بر کاهش این جرائم داشته باشد. در این شرایط عده ای اعتقاد به حذف اعدام دارند و عده ای دیگر خواهان محدود سازی بیشتر آن هستند. مجازات دیگری که برای قاچاقچیان در نظر گرفته شده است، مصادره اموال است. براساس ماده ۲۸ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر، کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده باشد، به نفع دولت مصادره می شود. این مجازات با هدف از بین بردن انگیزه اقتصادی از قاچاق مواد مخدر ایجاد شده است. در فیلم به هردو این مجازات ها اشاره شده است. ناصر خاکزاد که به عنوان مجرم شناخته می شود، با رای دادگاه اعدام می شود و علاوه بر آن همه اموال او نیز مصادره می شود و حتی خواهرزاده هایش هم که در کانادا مشغول تحصیل بودند، به کشور بازگردانده می شوند.

این فیلم در حوزه آیین دادرسی کیفری اطفال نیز دارای اشکالاتی است؛ در سکانس نمایش بازداشتگاه، مشاهده می شود که افراد گوناگون با سنین مختلف در یک

بازداشتگاه نگهداری می شوند. در حالی که کودکان زیر پانزده سال نباید با مجرمان بزرگسال در یک بازداشتگاه نگهداری شوند. همچنین برطبق ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره های آن، پرونده کیفری کودکان زیر پانزده سال مستقیماً به دادگاه فرستاده می شود و بازپرسی از این افراد فاقد جایگاه قانونی است. در سکانس مربوط به بازپرسی در دادسرا نیز اشکالاتی مشاهده می شود. قاضی به کودک و پدرش، بدون انجام تحقیقات کافی، میگوید «هرکس بپذیرد که مواد برای اوست متهم است.» پسری بپذیرد و به زندان معرفی می شود. در حالی که قانون به مقام قضایی تکلیف می کند که هرگونه تحقیق که باعث کشف حقیقت می شود، باید صورت گیرد.

در سکانسی از فیلم که اتفاقاً از سکانس های مهم و تاثیرگذار فیلم است، صمد، مامور بدرقه متهم، ناصر را آزاد میکند تا به او ثابت کند که نمیتواند فرار کند. این اتفاق خیلی منطقی نیست. در ماده ۵۴۹ کتاب تعزیرات به صراحت عنوان شده است که اگر مامور مراقبت از زندانی یا بازداشت شده ای در فرار او را یاری کند، مرتکب جرم شده است و مجازات آن نیز ذکر شده است. انجام این کار توسط صمد با وجود ریسک فرار ناصر، درست به نظر نمی رسد.

نقد دیگری که به فیلم وارد می شود، درباره بازداشت تنها با تکیه بر افترای متهم است. در این سکانس، ناصر در مقابل قاضی به صمد که در اینجا

مامور بدرقه اوست، اتهام می زند که رشوه گرفته است و بخشی از مواد مخدر را برداشته است و قاضی نیز بدون تحقیق و تنها با استناد به این اتهام دستور به بازداشت صمد می دهد. او هم باید مقدار دقیق مواد مخدر ضبط شده را نشان دهد و بیگناهی خود را ثابت کند.

براساس ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی، هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند. به نظر می رسد در اینجا با اثبات جرم با خود ناصر است که ادعای جرم علیه صمد کرده است. در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی، حوزه رسیدگی دادگاه انقلاب مشخص شده است. بند پ این ماده تمام جرائم مربوط به مواد مخدر و روان گردان را در حوزه صلاحیت این دادگاه قرار داده است. همچنین در همین قانون در ماده ۳۰۴ صلاحیت رسیدگی به جرائم اطفال زیر هجده سال را به دادگاه های اطفال و نوجوانان اعطاء کرده است که در فیلم به این موضوعات توجه نشده است.

هویت قانونی قاضی پرونده نیز مشخص نیست؛ شخص قاضی گاهی در نقش بازپرس ظاهر می شود و مشغول بازجویی و تحقیق از متهمان است، گاهی مثل رئیس اصلی دادگاه رای صادر می کند و گاهی هم مشغول محاکمه یک پسر بچه می شود که در حوزه اختیارات رئیس دادگاه اطفال و نوجوانان است. در پایان نیز در صحنه اعدام حاضر می شود که وظیفه قاضی اجرای احکام است.

به هر ترتیب، متری شش ونیم فیلمی مهم در حوزه مبارزه با مواد مخدر محسوب می شود. نشان دادن تصویری خشن از وضعیت معتادان و نمایش عاقبت تولید کنندگان و توزیع کنندگان مواد مخدر، مطمئناً موجب بازدارندگی افراد جامعه از این محیط می شود. بهتر بود نویسنده اثر در نگارش آن از مشورت مشاوران حقوقی نیز بهره می جست و از بروز این اشکالات جلوگیری می کرد و تصویری درست تر و واقعی تر از نظام حقوقی ایران و آیین دادرسی کیفری می ساخت. سینما تاثیر زیادی بر دیدگاه و باورهای عموم مردم می گذارد و وجود این اشتباهات ممکن است باعث به وجود آمدن باورهای غلط حقوقی در جامعه شود. توجه به ابعاد حقوقی اعتیاد و قاچاق مواد مخدر به همراه توجه به ابعاد اجتماعی آن، میتواند بازدارنده باشد و به مردم تصویری حقیقی از عاقبت گرفتاری به مواد مخدر را نشان دهد.



سمانه پیروی

«ن والقلم و ما یسطرون»

یکی بود یکی نبود یک چوپانی بود که یک گله ی بزغاله داشت و یک کله ی کچل ... این جملات شیرین و روان بخشی از کتاب نون والقلم نوشته ی جلال آل احمد است. این کتاب، یک داستان بلند تاریخی است که حوادث آن در اوایل حکومت صفویان اتفاق می افتد.

نون والقلم گزارشی از اوضاع سیاسی و اجتماعی است که در قالب یک داستان طنز بازگو میشود و در لفافه، معضلات سیاسی و اجتماعی را مورد نقد قرار میدهد.

نون والقلم حکایتگر یک انقلاب است؛ شورش یک فرقه متصوفه علیه «قبله ی عالم» را به تصویر میکشد؛ اما این ظاهر ماجراست. این شورش نه به خاطر حمیت و تلاش قلندر هاست؛ بلکه در پشت پرده هدف، جا خالی کردن حکومت و پهن کردن دام برای قلندر هاست.

قهرمانان داستان دو میرزا بنویس هستند؛ میرزا اسدالله، وجدان بیدار یک انسان در دل جامعه ای نادان، و میرزای دیگر که اهل خرافه و جادوست و در تلاش است هرچه بیشتر نان جهالت مردم را بخورد.

نگاه نویسنده در این داستان کاملاً انسان گرایانه و مبتنی بر وجدان است؛ چرا که تنها راه ساختن جامعه، ساختن افراد جامعه است. کارگزارانی که وجدان خاموش کرده اند و هر چه بیشتر در پی بستن بار دنیای خود هستند، در واقع تک تک افراد جامعه را نردبان ترقی خود قرار داده اند و با وجود آنها رسیدن به مدینه فاضله، خیالی دور از ذهن به نظر میرسد.

محدثه اکبریان

